

بسمه تعالی

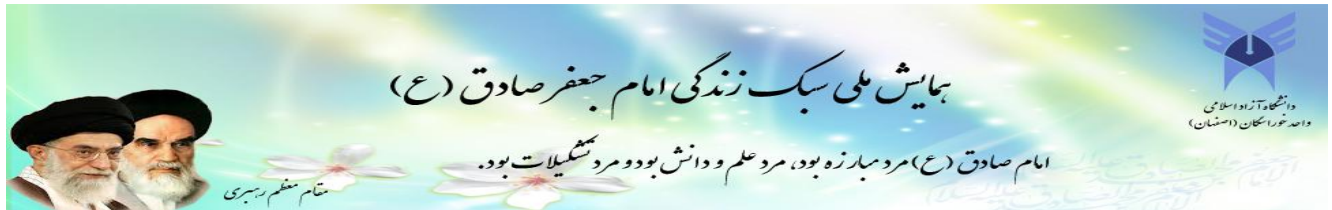
آموزه های تربیتی مکتب امام صادق (ع) با تأکید بر نقش الگویی

سعیده ولی نواز جهزدانی*

چکیده

جایگاه تعلیم و تربیت در اسلام آنقدر والا است که اولین فرمان خداوند به پیامبر اسلام درباره آن بوده است. از این رو امام صادق (ع)، رئیس مکتب شیعه نیز در ادامه راه پیامبر (ص) و امامان گذشته (ع) به این امر اهتمام ورزیده، در تمام سخنان و رفتار خویش به این موضوع توجه داشته اند و براساس آن رفتار کرده و سخن گفته اند. نگارنده با روش توصیفی-تحلیلی با محور قرار دادن نقش الگو به بیان اهمیت الگوی عملی پرداخته، سپس با تأکید بر داشتن دانش و منش تربیتی مناسب، به شیوه های: ۱. تبشیر و تشویق؛ تنذیر و تنبیه ۲. روش انگیزشی ۳. اندیشه ورزی ۴. شکوفایی فطرت دینی ۵. مناسب، در زمان مناسب به تناسب سن رشد؛ اشاره کرده با تبیین و بیان شرایط هر یک، نمونه هایی از احادیث حضرت را بیان کرده است و شیوه های تعلیم و تربیت صادق آل محمد (ع) را به نظاره نشسته است.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی پردیس فارابی (دانشگاه تهران). s_valinavaz@yahoo.com
قم، خیابان امام، بعد از فلکه شهید زین الدین، ۲۴ متری شهید مطهری، انتهای ۲۰ متری شهید قندی، پلاک ۹۷.



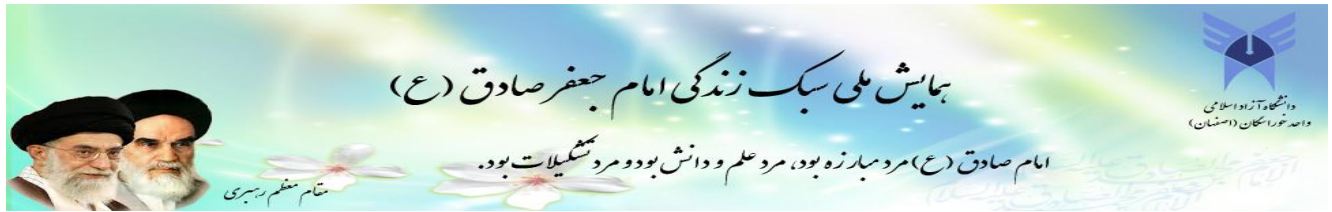
مقدمه

در آیین مقدس اسلام، برنامه تربیت بر اساس احیای تمامی تمایلات فطری و هدایت همه خواهش‌های طبیعی بشر استوار است و شناخت این تمنیات فطری و ارضای صحیح و معتدل هر یک از آنها، اساسی‌ترین پایه تربیت انسان می‌باشد. چنین تربیتی که هماهنگ با نظام حکیمانه خلقت و بر وفق قانون آفرینش است، انسان را به شایستگی می‌سازد و موجبات خوشبختی و سعادت ابدی او را فراهم می‌کند. برای رسیدن به این مهم یکی از بهترین شیوه‌های تربیت الگویی است. به عبارت دیگر افراد مؤثر در تربیت فرزندان مانند معلمان مدرسه و به ویژه والدین باید بتوانند به عنوان «الگو» رفتارها و کردارهای پسندیده خود را در رابطه با مسائل مختلف زندگی به طور عملی «مستقیم یا غیر مستقیم» در معرض مشاهده فرزندان قرار دهند. برای رسیدن به تأثیر لازم باید خود ابتدا عامل به همان امور باشند و هم چنین باید «دانش» و «منش» در تمام مسائل تربیتی را داشته باشند.

نقش الگو

الگو یکی از طرق سازندگی در مراحل مختلف زندگی است. بسیاری از بی‌هدفی‌ها زاییده بی‌الگویی هاست. زبان الگو، زبان عمل است در نتیجه تأثیری که الگو بر افراد می‌گذارد، بسیار عمیق‌تر و ماندنی‌تر از گفتار است. به دلیل اهمیت الگو، ادیان الهی و مکاتب بشری سعی در ارائه الگو از نوع خود انسان داشته‌اند و از نقش الگو در آبادانی و ویرانی جوامع غافل نبوده‌اند.

دین مبین اسلام الگوها و شاخص‌های متعالی ارائه داده، انسان‌ها را به پیروی از سیره عملی و نظری آنان دعوت نموده است. اگر در مکاتب ساخته بشر، الگوی عملی وجود ندارد و آنان ناگزیرند ایده آلیستی بیندیشند، خوشبختانه در مکتب اسلام راستین یعنی تشیع، الگوهای بسیاری وجود دارد.



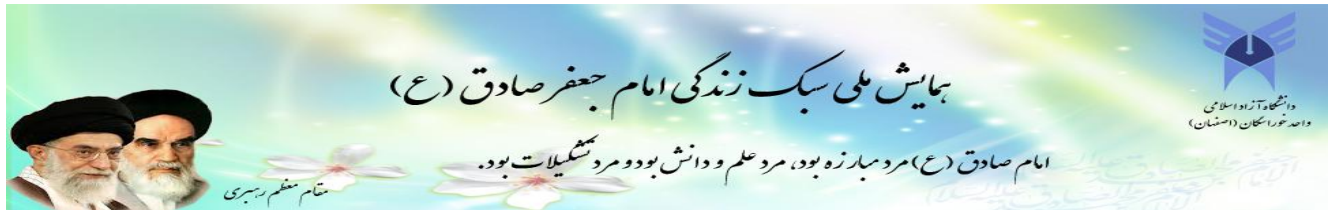
گفته شد والدین باید الگوی عملی برای تربیت دینی فرزندانشان باشند، از این روی، خود این والدین نیاز به الگویی راستین دارند تا بتوانند براساس آن درست عمل کنند و مایه سعادت فرزندانشان را فراهم کنند. در این میان بررسی شیوه های تربیتی امام صادق (ع) و الگو قرار دادن ایشان، می تواند ما را در به تعالی رسیدن فردی، خانوادگی، اجتماعی و دنیایی و اخروی نزدیک کند.

افلاطون گفته است: «... در اثر تربیت، جسم و روح انسان به بلندترین پایه جمال و کمال می رسد، بنابراین عالی تر و مقدس تر از تربیت، فنی نیست.» (کازرونی، ۱۳۷۳، ص ۹)

ما به مرکز توجه قرار دادن اسلام و به ویژه نظرات رئیس مکتب تشیع، امام صادق (ع) که از خاندان برترین و کاملترین مریبان بشر می باشند، به مقوله مهم تربیت پرداخته ایم.

گذری بر زندگی نامه امام صادق (ع)

پاسدار حریم ولایت، امام جعفر صادق (ع) در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ ه.ق در مدینه دیده به جهان گشود. (مفید، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۷۴) دوران امامتش از سال ۱۱۴ ه.ق شروع شد که با خلافت پنج تن از خلفای اموی و دو طاغوت عباسی مقارن بود، آن بزرگوار در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ ه.ق در سن ۶۵ سالگی توسط منصور دوانیقی مسموم، پیکر مطهرش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (مسعودی، ۱۳۰۳، ج ۳، ص ۲۹۷) در زمان امامت آن حضرت بر اثر جنگ و ستیزهای بنی عباس برای براندازی حکومت بنی امیه و درگیری شدیدی که آنها با یکدیگر داشتند، فضای مناسبی برای ایشان فراهم شد. آن امام همام در این فرصت توانست وسیع ترین دانشگاه اسلامی را پی ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورند، به طوری که حدود چهار هزار نفر از مجلس درس ایشان با واسطه و بدون واسطه استفاده می کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی دست یافتند.



امام صادق (ع) توسط شاگردانش دستورالعمل‌های فردی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را به مسلمانان آموزش می‌دادند و از این رهگذر، مکتب اهل بیت (ع) را به جهان معرفی نمودند. رهنمودهای راهگشای آن بزرگوار در زمینه فردی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و... برگ زرینی در تاریخ شیعه می‌باشد. در این نوشتار پس از بیان تعریفی درباره تربیت، به آموزه‌های تربیتی آن امام همام خواهیم پرداخت.

تعلیم

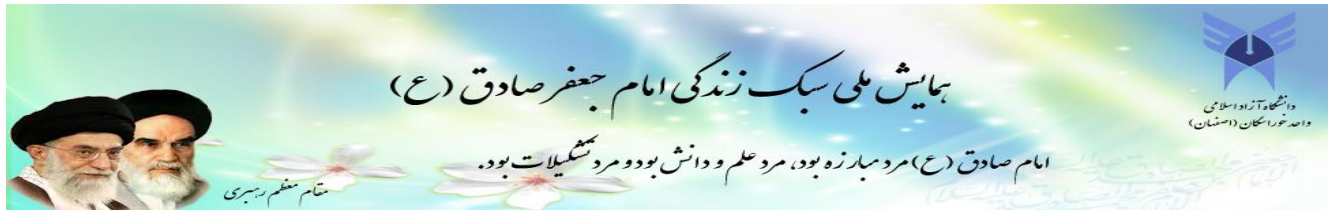
(عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) (سوره علق، آیه ۵)

تعلیم به معنای آموزانیدن و کسی را چیزی آموختن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲) و انتقال علوم و فنون و به طور کلی انتقال دانسته‌ها به فراگیر و متعلم است. و به طور کامل تر عبارت است از: سخن گفتن و القای کلمات معنادار که متعلم به معانی آن الفاظ پی ببرد و بدین وسیله استعداد تعلم و یادگیری خویش را به فعلیت تبدیل سازد و عالم شود. در این جا روشن شد که تعلیم نیز نوعی تربیت است. (امینی، ۱۳۷۳، ص ۱۵)

تربیت

(وَيُزَكِّهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) (سوره آل عمران، آیه ۱۶۴)

مصدر باب تفعیل از ماده (ربی، یربو) به معنای رشد است. (بستانی، ترجمه مهیار، ۱۳۷۵، ص ۴۱۹) معنای اصطلاحی تربیت عبارت است از: «انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجود، به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و تدریجی به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند.» (امینی، ۱۳۷۳، ص ۱۴)



امام صادق (ع) آنقدر به تربیت و آموزش فرزندان اهمیت می دهند که در این باره به شیعیان توصیه می کنند هر چه زودتر به آموزش فرزندان خود بپردازند تا مخالفان فکری آنان نتوانند اندیشه های خود را در آنان وارد کنند.

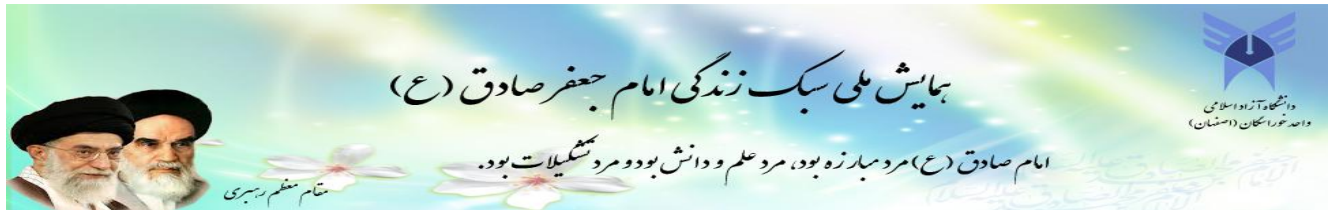
(حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۸۹)

اهمیت تربیت

از مهمترین و اساسی ترین مسائل زندگی بشری، تربیت فرزند صالح و شایسته است و پر واضح است که هرگاه بتوانیم فرزندان امروز را صالح بار آوریم، ثمره آن پیدایش جامعه ای صالح خواهد بود که رسیدن به چنین جامعه ای مطلوب همه انسان ها و مطابق با فطرت واقعی تمام بشر است که مشکلات اجتماعی از جامعه رخت بر خواهد بست. (ستارپور، ۱۳۹۰، ص ۸) امام صادق (ع) می فرمایند: «بهترین میراث پدران برای فرزندان، ادب است نه مال و ثروت! زیرا ثروت از میان می رود و ادب پایدار می ماند.» (آزیر، ۱۳۸۱، ص ۱۹۳) این مسئله آن چنان مهم و فراگیر است که حتی فلاسفه و دانشمندان غرب نیز بدان پرداخته اند. کانت می گوید: «تربیت، بزرگترین و سخت ترین مسأله ای است که برای حل کردن به انسان داده می شود، زیرا که بصیرت انسان بسته به تربیت اوست و این یکی هم بسته به بصیرت او.» (موسوی زنجانرودی، ۱۳۸۵، ص ۷۰) تمام این سخنان و احادیث بر اهمیت موضوع تربیت دلالت دارد.

شیوه های تربیتی مکتب صادق آل محمد (ع)

برای آموزش و جذب فرزندان به انجام اعمال نیکو و روی گردانی آنها از اعمال و رفتار ناشایست، روش های متنوع و گوناگونی در علوم روانشناسی و تربیتی وجود دارد که به فراخور سن و روحیات فرزندان، می توان آنها را به کار گرفت. در این میان نقش الگویی اهمیت خاصی دارد. منظور از تربیت الگویی این است که مربی می کوشد تا نمونه رفتار و کردار پسندیده خود را به طور عملی -مستقیم یا غیر مستقیم- در معرض دید متربی قرار دهد و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون سازد. (باقری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷ و ۱۰۸)



نخستین الگوی عملی فرزندان، والدین هستند، بیشترین زمان با پدر و مادر سپری می شود و بیشترین نقش در شکل گیری شخصیت فرزندان برای والدین است. والدین برای آنکه الگوی شایسته و بایسته ای باشند باید: عامل به امری باشند که بیان می دارند (الگوی عملی) و دانش و منش تربیتی داشته باشند.

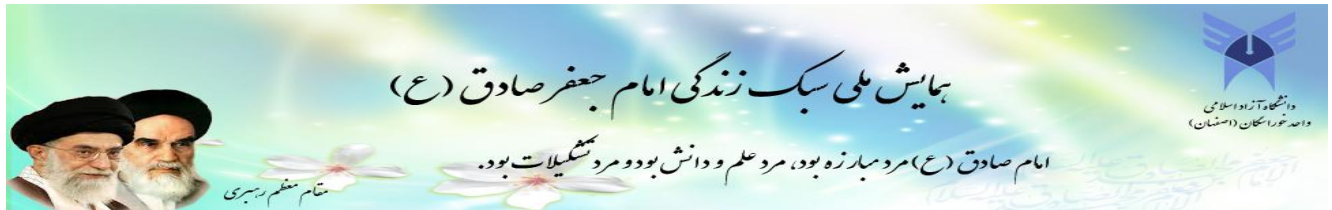
۱. الگوی عملی

چشم و گوش برای کودک چون دریچه ای است که مستمرا می بیند، می شنود و ذهنش همانند دوربین از مشاهدات خود عکس و فیلم می گیرد و در خاطر ضبط می کند. کودک برای ساختن شخصیت خود به اسوه و الگو نیاز دارد. ارائه الگو و اسوه، مؤثرترین و موفق ترین روش تربیتی است. تقلید در تعلیم و تربیت و سازندگی بیش از هر روش دیگری اثر دارد. تقلید خودبه خود انجام می گیرد و به تذکر نیاز ندارد.

مؤثرترین روش امامان در عرصه تبلیغ، «تبلیغ عملی» است. امامان، تجسم عالی ارزش های انسانی هستند. بیش ترین سفارش امامان در عرصه تبلیغ دین، دعوت به تبلیغ عملی بوده است. از نگاه آنان عالم واقعی کسی است که سخنش همراه با عمل باشد. امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «العالم من صدق فعله قوله و من لم یصدق فعله قوله فلیس بعالم؛ عالم کسی است که رفتار او گفتارش را تصدیق کند و هر کس و بر خلاف گفته اش باشد، عالم نیست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۳۴۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۳)

آن گوهر نبوی می فرماید: «کونوا دعاة الناس باعمالکم ولاتکونوا دعاة الناس بالستکم؛ مردم را با عمل خود به نیکی ها دعوت کنید نه با زبان خود.» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ترجمه آرام، ج ۱، ص ۵۲۲)

رفتار صحیح و بر مبنای درست، هر کسی را جذب می کند و اینجاست که جنبه الگویی عاملان تربیت و قابلیت تأسی شان در رفتار انسان، ظاهر می شود. وجود الگوی عملی در مسائل دینی و اخلاقی ضروری است. قرآن



کریم در این زمینه می فرماید: (لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه); همانا رسول خدا برای شما اسوه و الگوی خوبی است. (سوره احزاب، آیه ۲۱)

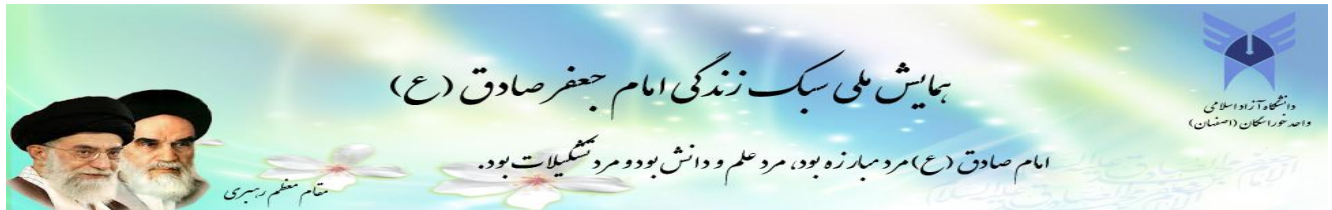
کودکان و نوجوانان، نظام ارزش ها و رفتارهای والدین خود را به عنوان یک هدف رفتاری مطلوب می پذیرند. به خصوص زمانی که رفتار الگوها ترسیمی از شیوه و طریق متعالی زندگی بوده و پاسخی برای نیازهای فطری آنان باشد. (افروز، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۲)

کودک آینه تمام نمای خانواده خویش است که هر خوبی و بدی یا آنچه در آنجا را می بیند و می شنود، در خود منعکس می سازد. از این رو کوشش مادران در پرورش فرزندان از بزرگ ترین کارهاست. (حیدری، ۱۳۸۶، ص ۱۷ به نقل از الارشاد و التعلیم) بنابراین، والدین در عامل بودن به امور شایسته باید سعی کنند الگوی محبوب تری باشند تا میزان تأثیرگذاری بیشتری در شخصیت فرزندان داشته باشند و آنها بازنمایی رفتار والدین خود را داشته باشند. بی شک کسی بدون داشتن دانش و منش صحیح نمی تواند عامل به اموری صحیح باشد و تأثیر شگرفی داشته باشد.

۲. داشتن «دانش» و «منش» تربیتی

منظور از دانش تربیتی، داشتن آگاهی از روش های متنوع و متعدد روان شناسی در امر تربیت است. مقصود از منش تربیتی، توانایی به کارگیری این روش ها در قالب شیوه های نو، جذاب، ساده و هماهنگ با دنیای کودکان و نوجوان است. لازم است والدین از این شیوه ها آگاهی کافی داشته باشند تا مناسب با سنین فرزندان خود بتوانند آنها را به کار گیرند. (بافکار، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳۹)

۱-۲. روش تبشیر و تشویق؛ تنذیر و تنبیه

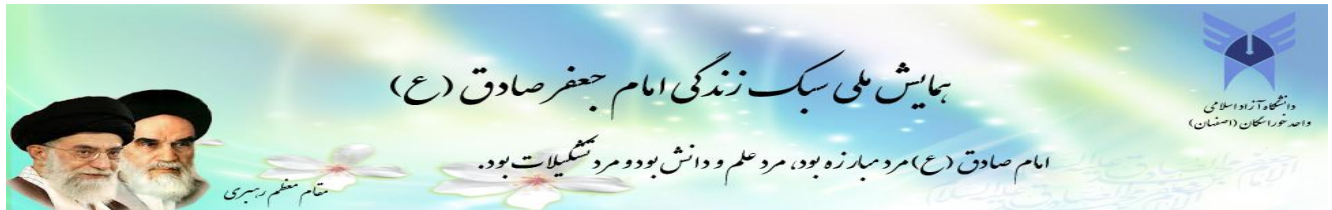


تربیت، مستلزم تن دادن به تکالیفی است و این امر، رغبت را از بین می برد. این تلخی را باید به طریقی کاست تا قبول تکالیف آسانتر شود. یکی از این روش ها «تبشیر» است. تبشیر به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد و مظهری از فضل و رحمت است. بشارت، در وجود آدمی، امید را می آفریند و با این حالت، او را آماده قبول زحمت می گرداند. (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۹) ویلیام جیمز می گوید: عمیق ترین انگیزه در نهاد آدمی، عطش داشتن به تحسین است. ادیسون در خاطرات خود می گوید: اگر مادرم مرا تشویق نمی کرد، مخترع نمی شدم. (قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹ و ۲۰۰)

در اینجا به خوبی نقش تشویق و تبشیر نمایان است، از این روست که به خوبی این عامل تربیتی در بسیاری از آموزه های امام صادق (ع) وجود دارد و بسیاری از سخنانی که به بهشت، قرب الهی، ثواب، رسیدن به حالت یا مقام یا مالی در دنیا اشاره دارد، از شیوه تشویق و بشارت بهره جسته اند.

امام صادق (ع) می فرمایند: «ثلاثة یدخلهم الله الجنة بغیر حساب: إمام عادل، و تاجر صدوق، و شیخ أفنی عمره فی طاعة الله؛ سه کس را خدا بی حساب وارد بهشت می کند: پیشوای عادل، کاسب و تاجر راستگو و پیرمردی که عمر خود را در طاعت خدا گذرانده باشد.» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ترجمه آرام، ج ۵، ص ۵۸۵) وعده رسیدن به بهشت، تشویقی است که مؤمنان را در هر گروهی که باشند، به سمت اعمال نیکو می کشاند.

در مقابل نیز، تنذیر و تبه نیز وجود دارد که برای دور کردن از برخی اعمال و در مقابل، روی آوردن بندگان به کارهایی که صلاحشان در آن است، بهره گرفته می شود. امام صادق (ع) برای برحذر داشتن از پیروی هوای نفس می فرمایند: «من أطاع هواه فقد اطاع عدوه؛ هر کس از هوای نفسش پیروی کند، به یقین از دشمنش فرمان برده است.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۱۲) به یقین هیچ شخصی دوست ندارد که از دشمنش پیروی کند و از آنجایی که دشمن،



خیر و صلاح آدمی را نمی خواهد، از نظر عقلی نیز کسی پیروی از دشمن را قبول نمی کند. این تشبیه امام، مردم را از فرمانبری هوای نفس باز می دارد.

۲-۲. شکوفایی فطرت دینی

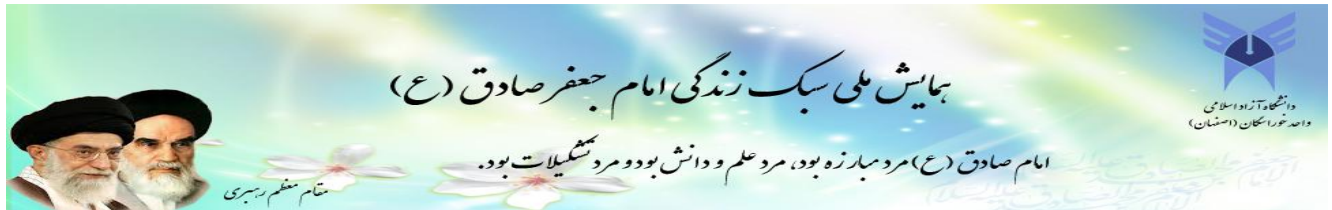
اولین وجدان فطری و سرمایه طبیعی که اسلام آن را جزو سرشت بشر می داند، معرفت خداست. والدین به عنوان الگوهای فرزند باید با بیدارسازی وجدان وی، با زبانی ساده به فرزند خویش درس ایمان دهند.

مرحوم فلسفی (۱۳۷۸، ص ۶۰) می نویسد: «لازم است مربی از دوران کودکی حس مسئولیت طفل را در پیشگاه پروردگار بیدار نماید. او را با حس و وظیفه شناسی بار آورد. باید با زبان ساده به او بفهماند که خداوند تو را در همه حال می بیند و از کارهای خوب و بد تو آگاه است و چیزی از خدا پنهان نیست. در کارهای خوب به تو پاداش و می دهد و در بدی ها مجازات می نماید.

به این ترتیب والدین با بیدار کردن فطرت فرزندان، گام بزرگی در شکل گیری زیرساخت های اعتقادی برداشته اند و این مقدمه ای برای تربیت دینی مقاوم و مداوم است.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «ولئن سألتهم من خلق السموات والارض و سخر الشمس و القمر ليقولنّ الله...! (سوره عنکبوت، آیه ۶۱) اگر از آن ها بپرسی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را به تسخیر درآورد، به یقین می گویند خدا.» این روش را در سیره امام صادق (ع) هم می بینیم؛ روشی که در آن، امام از مخاطبش می خواهد که خود را در موقعیت فرض شده ببیند و با مراجعه به فطرتش دریابد که حقیقت چیست.

مردی به خدمت آن حضرت آمد و گفت: «ای فرزند رسول خدا! مرا با خدا آشنا کن؛ خدا چیست؟ مجادله کنندگان بر من پیروز شده اند و سرگردان گشته ام. امام فرمود: ای بنده خدا! آیا تا به حال سوار کشتی شده ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا پیش آمده کشتی آسیب ببیند و کشتی دیگری برای نجات تو نباشد و هیچ راه نجات و امکان شنا هم



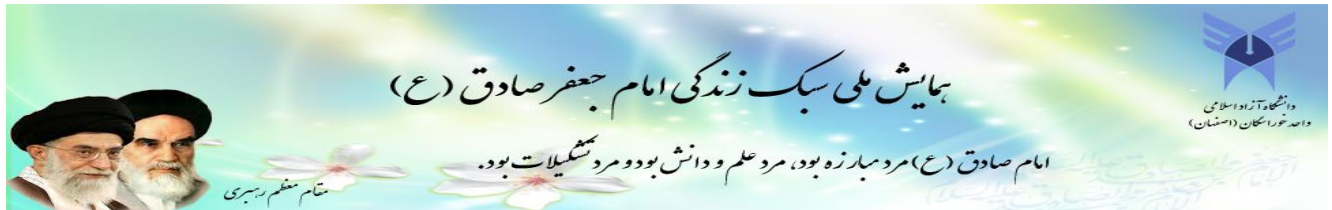
نداشته باشی؟ گفت: آری. فرمود: در چنین حالتی به چیزی که بتواند از آن گرفتاری تو را نجات دهد، دلبسته بودی؟
گفت: آری. فرمود: آن چیز همان خداست که قادر بر نجات است، آن جا که فریادرسی نیست، او فریادرس
است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۱)

از آنجا که فطرت آدمی پاک است، با توجه به ژرفای درون خویش، درستی ها را می یابد. توجه به فطرت، و
سوق دادن آدمی برای توجه به آن، از کارهایی است که امام برای تربیت و نشان دادن راه صحیح به کار گرفته اند. در
بسیاری از موارد، خانواده ها نیز می توانند با این شیوه در زمان مناسب، فطرت پاک فرزندان را بیدار کنند و آنان را به
درستی و نادرستی اعمالشان آگاه سازند.

۲-۳. اندیشه ورزی

فکر، تلاش و پویایی است که به هنگام مواجهه انسان با معماها در وی جریان می گیرد، خواه این معماها
سراب باشند و خواه آنقدر مهم باشند که با گشودن آنها، بصیرت و وسعتی در آدمی جای گیرد. روش تربیتی تعقل،
تلاش و پویایی فکری انسان را به درستی تنظیم می کند تا هدایت وی به سمت حقیقت هستی میسر شود. قرآن
شکوفایی اندیشه و راه یابی آن به مقصود را از طریق مواجهه حسی و نظری با جهان، همراه با کنترل هواهای نفسانی
قابل دستیابی می داند. به طور کلی، عقل نهادینه شده در وجود انسان، راه و روش خود را با خود دارد و منظور از
روش تربیت عقلانی این است که توازن عقل نهادینه شده در وجود آدمی را حفظ کند و راه شکوفایی عقل، علم است.
(باقری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۵)

«فرد تربیت شده از نظر آگوستین کسی است که در باطن او میان عقل و ایمان هماهنگی ایجاد شده باشد.
آگوستین مانند هر متکلم دیگری، هدف تربیت را پرورش افرادی می داند که براساس ضوابط و معیارهای دیانت،
شایسته عنوان «مؤمن» و «متقی» باشند.» (کاردان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹)



ششمین اختر تابناک امامت در سیره رفتاری و عملی خود برای اندیشه و تفکر ارزش والایی قابل بود و درباره تفکر در مسایل دینی فرموده اند: «هر یک از اصحاب ما که فهم دین ندارد خیری ندارد، ای بشیر هر مردی از ایشان که از نظر فهم دین بی‌نیاز نباشد به دیگران نیاز پیدا می‌کند و چون به آنها نیازمند شد او را در گمراهی خویش وارد کنند و او نفهمد.» (کلینی، ۱۳۶۹، ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۴۰)

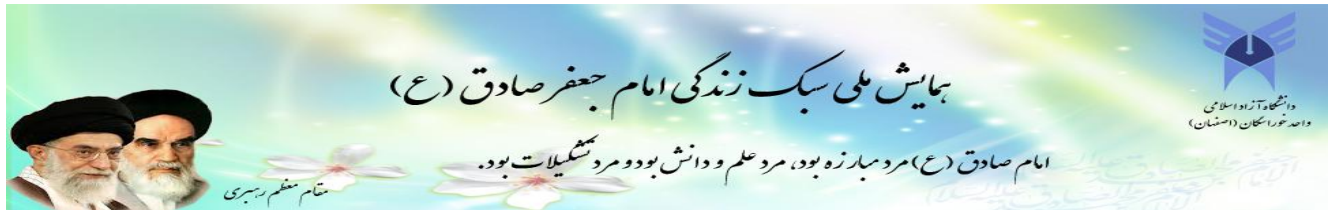
برای بیان جایگاه والای تعقل همین بس که ساعتی تعقل را از هفتاد سال عبادت برتر دانسته اند. امام صادق (ع) بیشترین عبادت ابوذر را اندیشیدن و عبرت اندوزی دانسته اند. «کان اکثر عبادة ابي ذرّ التفکر و الاعتبار» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۰۵) مولوی (دفتر دوم، بخش ۹) نیز با بهره‌گیری از کلام امامان (ع) سروده است:

ای برادر تو همان اندیشه ای مابقی خود استخوان و ریشه ای

طرز تفکر آدمی، تمام وجودش را فرا می‌گیرد و در حالات و رفتارش نمود می‌یابد، از اینجاست که باید اندیشیدن و به ویژه تفکر درست را به فرزندان بیاموزیم. در بسیاری از امور بدون اندیشه کردن، راه درست پیدا نمی‌شود و ممکن است موجبات گمراهی را فراهم کند. از همان کودکی والدین باید به فرزندان بیاموزند که در امور بیانیدند و راه درست را از نادرست بیابند. در رفتارهای خود تأمل کنند و ببینند آیا رفتارشان در راستای احادیث و رهنمودهای ائمه هست یا خیر؟ و بدین شیوه تعقل را در تمام مراحل زندگی وارد کنند، همانگونه که امام صادق (ع) بر این امر تأکید نموده اند.

۲-۴. روش انگیزشی

این روش در مراحل ابتدایی تربیت بسیار کارساز است. قدردانی کردن، پاداش دادن از ابزارهای این روش است که برای جذب فرزندان به انجام دادن کارهای نیکو این شیوه بسیار کارساز است. در مراحل اولیه باید کارهای بسیار ساده کودکان را تشویق کرد. آنها به تقلید از بزرگترها برای نماز، روی زمین دراز می‌کشند و صورت را به



سجاده یا مهر می گذارد، باید این کارشان را تأیید و تشویق کرده، در مراحل بعدی به موازات رشد جسمی و ذهنی کودک به فراخور هر مرحله با خرید جایزه، حضور در گروه همسالان و بردن به مکان های مختلف فرهنگی و مذهبی در جذب کودک و نوجوان تأثیر گذار باشد. امام صادق (ع) نیز برای جذب مؤمنان به کارهای نیک، با خبر دادن از تأثیر انجام برخی اعمال، انگیزه انجام کارهای نیکو را در بندگان ایجاد کرده اند.

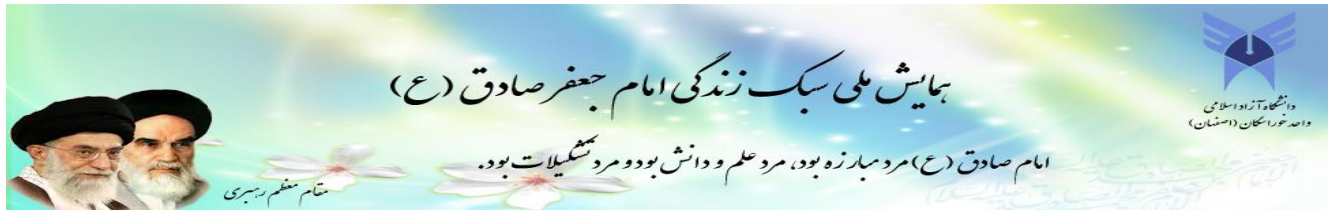
زیاد شدن رزق: صادق آل محمد (ع) به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره می کنند تا با برانگیختن انگیزه، بندگان را به سمت عمل، دعوت نمایند: «حسن الخلق یزید فی الرزق؛ خوی نیک، روزی را افزایش می دهد.» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۷۸)

طولانی شدن عمر: در روایتی دیگر شیعیان را به خوش رفتاری با خانواده سفارش نموده، آن را موجب طولانی شدن عمر می داند: «... من حسن برّه فی اهل بینه زید فی عمره؛ هر کس با خانواده خود، خوش رفتاری کند، عمرش طولانی می شود.» (دیلمی، ۱۳۷۶، ترجمه سلگی نهاوندی، ج ۱، ص ۳۵۹)

در موارد بالا به خوبی روشن است که امام صادق (ع) با شیوه ترغیب و تشویق، برای داشتن اخلاق نیکوی مؤمنان قدم برداشته اند و با ایجاد انگیزه برای رسیدن به خیر و اجر دنیوی و اخروی در تربیت اخلاقی آنها بهره جسته اند.

۲-۵. آموزش امور در زمان مناسب به تناسب سن رشد

هرکاری زمان خاصی دارد و اگر دیرتر یا زودتر از موعد از کودک خواسته شود، به دلیل این که از درک آن عاجز است، فشار روحی بر وی وارد می کند و در نتیجه از آن کار تنفر و انزجار پیدا می کند. (بافکار، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۹) با جستاری در آموزه های امام صادق (ع) در می یابیم که این امام همام به این امر توجه ویژه داشته اند و درباره آموزش امور مختلف از خویش سخن به یادگار نهاده اند.



امام ششم (ع) درباره سن شروع نماز به کودکان می فرمایند: «ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می

کنیم، شما فرزندانان را از هفت سالگی امر به نماز کنید.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸۰)

باید توجه کرد که چگونه امام (ع) با مرکز توجه قرار دادن تمام جزئیات، به آموزش می پردازند، ایشان حتی

نکته ای را از قلم نمی اندازند و آدمی را با کلی گویی دچار ابهام نمی کنند. ایشان با بیانی ساده، دقیق و کاربردی، تمام

حقایق مورد نیاز بشر را آموزش می دهند.

و برای آموزش روزه که یکی از مهمترین اعمال عبادی است می فرمایند: «ما کودکانمان را در هفت سالگی به

روزه گرفتن، به اندازه ای که توان آن را دارند، تا نصف روز، بیشتر یا کمتر، دستور می دهیم؛ هرگاه تشنگی و گرسنگی

بر آنها غلبه کرد افطار می کنند تا به روزه عادت کنند و توان روزه داری بیابند. شما کودکانتان را در نه سالگی به روزه

گرفتن، به هر اندازه ای که می توانند امر کنید؛ هرگاه تشنگی بر آنها غلبه کرد افطار کنند.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص

۲۸۰)

در این حدیث به زیبایی شیوه های تربیتی بسیاری به تصویر کشیده شده است و امام (ع) اصول بسیاری را

تعلیم داده اند:

- در ابتدا سن را بیان می دارند. واژه «یتعودوا» که در متن حدیث بیان شده است؛ یعنی بر این کار

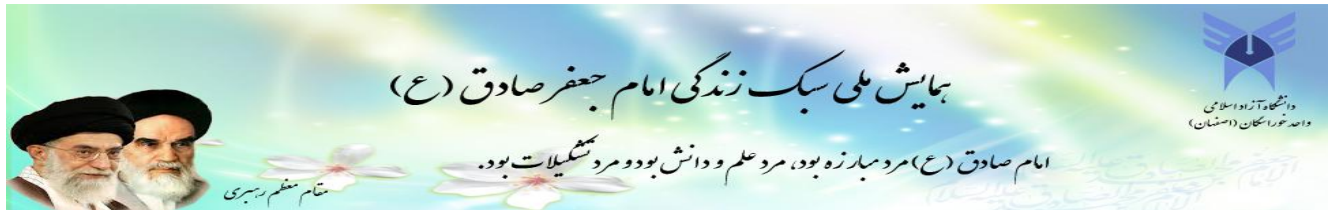
عادت کنند و زمانی که به سن تکلیف رسیدند، به راحتی بتوانند این کار را انجام دهند.

- برای عادت کردن دو امر تربیتی تدریج و تسهیل را در نظر گرفته اند، زیرا نباید انتظار داشت که

کودک با دو یا چند روز انجام کاری، به آن عادت کند، بلکه عادت کردن امری طولانی است.

- در نظر گرفتن شرایط، از دیگر مواردی است که امام در این حدیث به ما آموزش داده اند، لذا امام

صادق (ع) می فرمایند: تا آنجا که تاب آن را دارند ... (رک: داوودی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵)



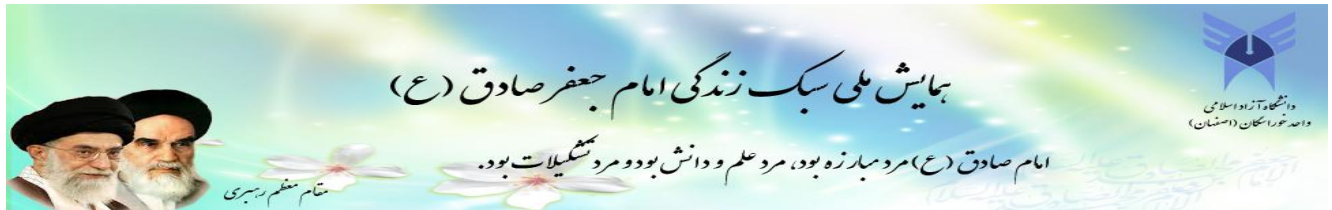
روانشناسان معتقدند بچه ها در شش سالگی می توانند زمان، مکان و رابطه علت و معلول را درک کنند. استعداد های کودکی در این سن به کمال شکوفایی می رسد و تغییرات جسمی و روانی و روحی در آنها مشاهده می شود و آنان رفتاری سنجیده از خود نشان می دهند. اما قبل از آن به ویژه در سنین دو یا سه سالگی چنین اموری را نمی توانند درک کنند. (پورباقر، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۸)

امری را که امام همام ما در چهارده قرن پیش مورد توجه قرارده اند، دانشمندان در این سال های اخیر آن را بیان داشته اند و به حقایق آن دست یافته اند. امید که با بهره گیری از رهنمودهای رییس مکتب تشیع، امام صادق (ع)، در امر تعلیم و تربیت فرزندان موفق بوده، توانسته باشیم مشمول دعای خیر حضرت صادق (ع) باشیم: «رحم الله من احیا امرنا». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۲۸۲؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۹)

نتیجه گیری

تعلیم و تربیت از مهمترین برنامه های بشری می باشد، زیرا در پرتو این برنامه، انسان رشد می یابد و به تکامل می رسد. اهمیت این امر از آنجا پیداست که اولین کلام پروردگار (عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) (سوره علق، آیه ۵) در باره آن بوده است. با توجه به اهمیت این امر، تمام انبیا و امامان به آن اهتمام بسیار ورزیده اند و بسیاری از دانشمندان درباره آن سخن رانده اند. شیوه های تربیتی امام صادق (ع) در گذر پژوهش چنین نمایان گشت:

- الگوی عملی: مهمترین شیوه می باشد، زیرا در این روش یادگیری به خودی خود انجام می شود و نقشی که بر جان دل می زند، ماندگارتر و عمیق تر است.
- تبشیر و تشویق و تنذیر و تنبیه: تشویق و تبشیر با آفرینش امید در نهاد آدمی، او را به سمت اعمال و رفتار شایسته می کشاند و از آنجا که هر نفس و عقل سلیمی از عاقبت بد بر حذر می باشد، امام (ع) با تبیین و تشبیه اعمال ناشایست، آنها را از انجام آن باز می دارند.



- شکوفایی فطرت دینی: به عنوان یکی از شیوه های تربیتی بیدار کردن وجدان بشر می باشد تا با این سرمایه طبیعی، به سمت ایمان روی آورد.

- اندیشه ورزی: این روش، تلاش و پویش فکری انسان را به درستی تنظیم می کند تا به واسطه آن در امور مختلف بیندیشد و راه درست را بیابد.

- روش انگیزشی: قدردانی و پاداش از ابزارهای این روش است. بیان پاداش اخروی و دنیوی، انسان را به امور نیک سوق می دهد. امام (ع) برای ایجاد انگیزه در مؤمنان: طولانی شدن عمر، رزق زیاد و در نهایت رضایت پروردگار را بیان داشته اند.

- آموزش در زمان مناسب به تناسب سن رشد: انجام هر کار در موعد مقرر و زمان مناسب باعث باروری و رشد می شود. توجه به زمان و مد نظر داشتن شرایط مسئله ای است که بسیار مورد توجه امام صادق (ع) بوده، و نکات زیر از شیوه های ایشان به چشم می خورد:

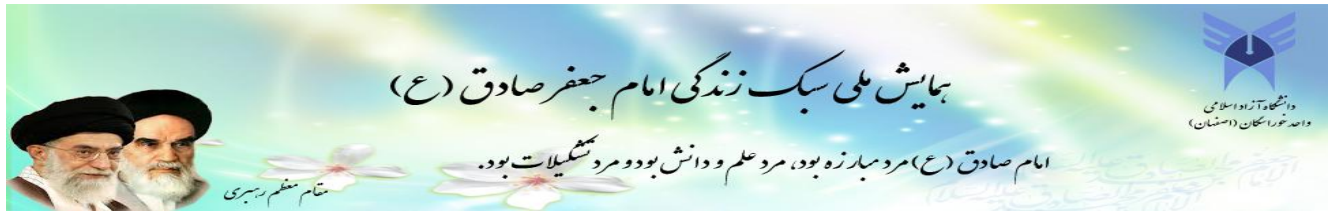
۱. جزئیات را بیان می دارند و با کلی گویی انسان را دچار ابهام نمی کنند.

۲. تدریج و تسهیل در امر تربیت را به فراخور سن و شرایط متربی، مورد توجه قرار می دهند.

به امید آنکه بتوانیم در مسیر تربیت، این شیوه ها را به کار گیریم و از ثمرات آن بهره مند شویم.

با سپاس از

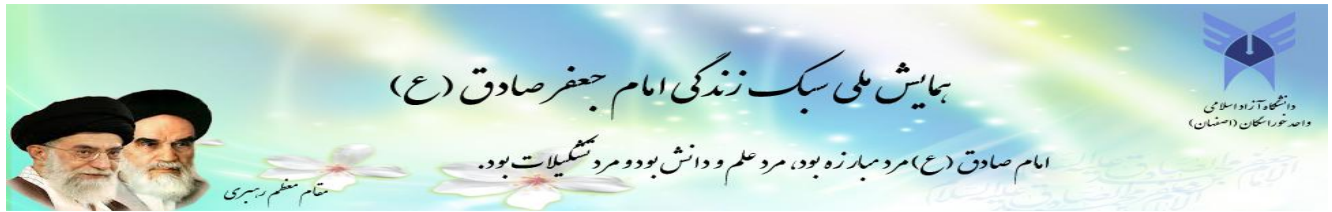
درگاه ایزد منان و حضرت ولی عصر (عج) که توفیق عطا نمودند در پرتو عنایات رییس مکتب تشیع، امام صادق (ع)، قلم زنیم، پس از آن با سپاس از مسئولین همایش که با انتخاب موضوع شایسته، پژوهش در این مسیر را فراهم نمودند.



همچنین با قدردانی از خانواده و اساتیدی که پشتیبانی و حمایتشان همیشه شامل حالم بوده است. امید که از برکات کار

و تلاش در عرصه مهم تعلیم و تربیت دینی بهره مند شویم و عنایات ویژه صادق آل محمد (ع) نصیبمان گردد.

و من الله توفیق



منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، تصحیح غفاری، ج ۱، انتشارات اسلامی،

قم.

۲. آذیر، حمیدرضا، (۱۳۸۱)، بهشت کافی، ترجمه روضه کافی کلینی، انتشارات سرور، قم.

۳. افروز، غلامعلی، (۱۳۷۱)، روش های پرورش مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، ج ۲، انجمن

اولیا و مربیان، تهران.

۴. امینی، ابراهیم، (۱۳۷۱)، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ دوم، انتشارات انجمن اولیا و مربیان

جمهوری اسلامی ایران، تهران.

۵. باقری، خسرو، (۱۳۸۹)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، چاپ ۲۱، انتشارات مدرسه، تهران.

۶. بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، ترجمه مهیار، انتشارات اسلامی، تهران.

۷. پورباقر، ایرج، (۱۳۶۲)، عقده های روانی، ج ۲، انتشارات آسیا، تهران.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۲۷، انتشارات آل البیت علیهم السلام، قم.

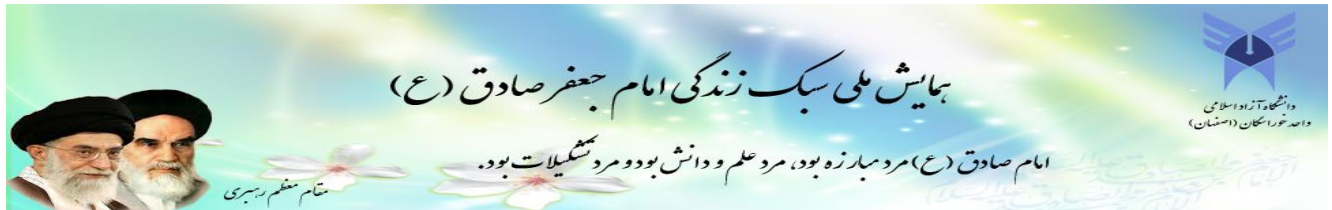
۹. حکیمی، محمد رضا و همکاران، (۱۳۸۰)، الحیاه، ترجمه آرام، ج ۱ و ۵، دفتر نشر فرهنگ

اسلامی، تهران.

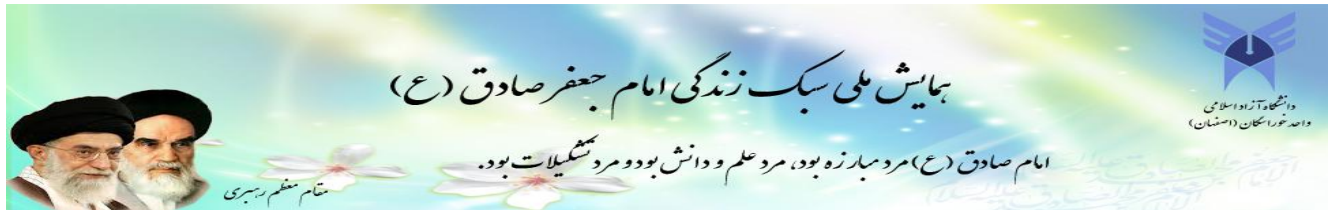
۱۰. داوودی، محمد، (۱۳۷۸)، تربیت دینی، چاپ چهارم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.

۱۱. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۷۶)، ارشاد القلوب، ترجمه سلگی نهاوندی، ج ۱، نشر ناصر، قم.

۱۲. ستارپور، ابراهیم، (۱۳۹۰)، آیا فرزند صالح می خواهید؟، چاپ دوم، آریاز، قم.



۱۳. طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تصحیح حسینی، ج ۱، چاپ سوم، مرتضوی، تهران.
۱۴. فلسفی، محمدتقی، (۱۳۷۸)، گفتار فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۷، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۵. قاسمی، محمدعلی، (۱۳۹۲)، دوران طلایی تربیت، چاپ دوم، قم.
۱۶. قمی، عباس، (۱۴۱۴)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۲ و ۶، اسوه، قم.
۱۷. کاردان، علی محمد و همکاران، (۱۳۸۹)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ نهم، انتشارات سمت، تهران.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، اصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۱، کتابفروشی علمیه اسلامی، تهران.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۲، چاپ دوم، دانشگاه تهران، تهران.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، ج ۳، ۴۴ و ۶۷، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۱. مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۰۳)، مروج الذهب، ج ۳، مطبعه ذات التحریر، بی جا.
۲۲. مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۶)، الارشاد، ج ۲، کتابفروشی اسلامی، تهران.
۲۳. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الاختصاص، تصحیح غفاری و محرمی، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، قم.
۲۴. موسوی زنجانرودی، مجتبی، (۱۳۸۵)، تربیت مذهبی کودک، انتشارات پرتو خورشید، بی جا.
۲۵. نوری، حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، انتشارات موسسه آل البيت علیهم السلام، قم.



مجلات و سایت ها

۲۶. بافکار، حسین، (۱۳۸۶)، شیوه های آموزش و جذب فرزندان به نماز با تأکید بر نقش الگویی

والدین، مجموعه مقالات نماز و خانواده، ج ۱، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ص ۱۳۲-۱۵۴.

۲۷. حسینی کازرونی، احمد، (۱۳۷۳)، برتری ها و ویژگی های تعلیم و تربیت اسلامی، نشریه علوم

تربیتی، ش ۹۵، ص ۶-۱۱.

۲۸. حیدری، (۱۳۸۶)، مقدمه مجموعه مقالات نماز و خانواده، ج ۱، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ص

۱۱-۱۸.

۲۹. <http://ganjoor.net/moulavi> مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بخش ۹، ۱۳۹۲/۸/۲۵.